

بطلان معاملات تاجر بعد از توقف

بررسی و نقد رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸
هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۱

دکتر محمود عرفانی

رای مذکور با استناد به ماده ۴۲۳ قانون تجارت، کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات تاجر ورشکسته را نسبت به اموال خود که بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی صورت گرفته باطل دانسته است. در ذیل پس از بیان خلاصه جریان پرونده امر، به بحث و بررسی رأی صادره از هیأت عمومی می‌پردازیم.

الف) خلاصه جریان پرونده

به موجب دادنامه شماره ۶ مورخ ۱۳۵۴/۲/۶ حکم ورشکستگی آقای الف صادر شده و تاریخ توقف آن ۱۳۴۳/۱۰/۲۸ تعیین گردیده است. ولی عده ای از بستانکاران در تاریخ بین توقف و صدور حکم ورشکستگی با طرح دعوی در مراجع قضایی، کلیه اموال منقول تاجر ورشکسته را در قبال طلب، به نام خود منتقل نموده و سند مالکیت جدیدی دریافت می‌کنند. مدیر تصفیه به طرفیت منتقل الیهام اموال

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۲۸ مورخ ۱۳۷۰/۵/۳۰ - ضمیمه روزنامه رسمی شماره ۵۸۱ صفحه ۲۶۳ الی ۲۶۷.

غیرمنقول، به خواسته ابطال سند انتقال و سند مالکیت تجدیدی، در دادگاه صالح طرح دعوی می‌نماید.

در رسیدگی فرجامی شعب ۱۷ و ۱۸، دیوان عالی کشور آراء دادگاههای بدوی را به نفع خواهان ابرام می‌نماید. ولی مدیر تصفیه دعوی دیگری با همان بهای خواسته علیه بستانکاران ورشکسته در دادگاه شهرستان گنبد مطرح می‌کند.

دادگاه پس از رسیدگی چنین اظهار نظر می‌نماید: بنابه مفهوم مخالف ماده ۴۱۹ قانون تجارت تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی، دعاوی باید علیه شخص تاجر اقامه گردد و تاجر محجور تلقی نمی‌شود و انجام عملیات مزایده و صدور حکم تملیک معامله محسوب نشده و نیز دلیل موجه بر ابطال اجراییه و اسناد انتقالی مالکیت ارائه نشده است. دادگاه با این استدلال حکم به بطلان دعوی مطروحه از طرف مدیر تصفیه تاجر ورشکسته به خواسته دعوی ابطال اجراییه و اسناد مالکیت ارائه شده را صادر و دادگاه استان مازندران در مقام پژوهش خواهی رأی صادره را مورد تأیید قرار می‌دهد. النهایه، در رسیدگی فرجامی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۱۳۳۸ مورخ ۱۳۶۲/۱/۲۸ اعتراضات فرجام خواهی (مدیر تصفیه) را وارد تشخیص نداده و دادنامه فرجام خواسته را ابرام می‌نماید.

نظر به این که در موارد مشابه بین آراء شعب ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور و رأی شعبه ۱۳ دیوان مذکور اختلاف نظر وجود داشته است؛ لذا، با استناد به قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸، پرونده امر در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح و منتهی به صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ به شرح زیر می‌گردد:

" ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است، در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تادیه هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا موجه به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود، باطل و بی‌اثر است. بنابراین در هر مورد که بعد از تاریخ توقف، حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوطه که متضمن ضرر سایر

طلبکاران تاجر ورشکسته می‌باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی‌اعتبار است. فلذا، آراء صادره از شعب ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است ..."

ب) تجزیه و تحلیل رأی وحدت رویه

در رأی وحدت رویه صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ماده ۴۱۷ قانون تجارت و بند ۲ و ۳ ماده ۴۲۳ همان قانون اشاره شده است و تصمیم هیأت مزبور بر این بوده که چنانچه بعد از تاریخ توقف، حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف راجع به بعضی بستانکاران وی صادر و اجرا گردد، عملیات اجرایی و نقل و انتقالات زمانی مشمول ماده ۴۲۳ گردیده و باطل خواهد بود که متضمن ضرر سایر بستانکاران تاجر ورشکسته باشد.

۱- معاملات بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت

ماده ۴۲۳ معاملات تاجر را بعد از توقف در سه مورد باطل و بلااثر دانسته و در بند ۲ می‌گوید: "تأدیه هر قرض اعم از حال یا موجب به هر وسیله که به عمل آمده باشد ... ملاحظه می‌شود که قانونگذار پرداخت هرگونه قرض از طرف تاجر ورشکسته بین تاریخ توقف و صدور حکم را اعم از حال یا موجب به هر وسیله از قبیل صدور سفته، برات، چک، یا پول نقد با عنایت به صدر ماده ۴۲۳ باطل و بلااثر دانسته است.

به نظر می‌رسد که در این بند قانونگذار به اسناد تجارتي که امروزه در دنیا از نظر بازرگانی بین المللی نقش مهمی را برای واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی ایفاء می‌نمایند^۲، توجهی ننموده و صدور آنها را از طرف تاجر متوقف محکوم به بطلان دانسته است. در صورتی که ماده ۱۰۷ و ۱۰۸^۳ قانون تجارت

۲. دکتر محمود عرفانی، حقوق تجارت، ج ۱، انتشارات ماجد، چاپ هفتم، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰ و ۲۴۶ و ۲۹۲.

3. Article 108 "les paiements pour dettes échues effectués après la date de cessation des paiements et les actes à titre onéreux accomplis après cette même date peuvent être annulés si ceuz qui ont traité avec le débiteur ont eu connaissance de la cessation des paiements."

فرانسه^۴ مصوب ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ برای ایجاد اعتبار به اسناد تجاری و پرداختهای تجار، هر نوع پرداخت برای دیون حال که نقداً و یا از طریق اسناد تجاری صورت گرفته باشد را باطل نمی‌داند، مگر آنکه دریافت کننده از توقف تاجر آگاه باشد. از طرف دیگر قانونگذار فرانسه بر خلاف ماده ۴۲۳ قانون تجارت ایران صدور حکم بطلان را در اختیار دادگاه قرار داده است، زیرا امروزه معاملات واحدهای تجاری بر اساس اعتماد به اسناد تجاری صورت می‌پذیرد و چنانچه این اطمینان نسبت به اسناد متزلزل گردد، شرکت‌های بازرگانی و سایر واحدها به اجبار به معاملات نقدی مبادرت خواهند نمود، و بدیهی است که در چنین صورتی تهیه مواد اولیه و ماشین آلات و سایر نیازهای ضروری برای آنها بسیار مشکل خواهد بود و به ناچار با تولید کمتر و اخراج کارگران موجبات بالا رفتن قیمت‌ها و دامن زدن به بیکاری و مآلاً ایجاد تورم (سقوط ارزش پول) و صعود قیمت کالاها و خدمات را فراهم خواهند ساخت. لذا، اصلح است که بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت به شرح ذیل اصلاح گردد:

"تادیه هر قرض اعم از حال یا موجد بعد از توقف می‌تواند باطل گردد، مگر آنکه نقداً یا بوسیله اسناد تجاری به عمل آمده باشد."

۲- معاملات بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت

بند مذکور مقرر می‌دارد: "هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود." در این بند معاملات تاجر بعد از توقف به شرطی باطل است که موجبات اضرار طلبکاران فراهم شود.

منظور از کلمه "مقید" با در نظر گرفتن مفهوم مضیق این است که تاجر اموال منقول یا غیرمنقول خود را به ضرر طلبکاران به رهن بگذارد یا این که منافع اموال مذکور را از قبیل انتقال حقوق ارتفاقی یا انتفاعی به دیگران به نحوی از انحاء واگذار کند.

4. Article 2 de la loi 25 Janvier 1985 "sont nuls, lorsqu'il auront été fait par le débiteur depuis la date de cessation de paiements, tout paiement. Pour dettes échues, fait autrement qu'en espèces, effets de commerce, virements, bordereaux de cession visés par la loi ..."

به نظر می‌رسد که معاملات تاجر بعد از توقف، بدون اضرار به بستانکاران نباید باطل باشد زیرا ورشکسته محجور محسوب نشده و نیز در اموال و حقوق مالی خود ممنوع المداخله نمی‌باشد. قانون بازسازی قضایی و تصفیه اموال ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ فرانسه معاملات معوض تاجر را بعد از توقف با احراز دو شرط باطل دانسته است. اولاً: معاملات تاجر، تعهدات مدیون را به طور بارز و قابل ملاحظه ای به طرف دیگر افزایش داده باشد. ثانیاً: کسانی که طرف معامله قرار گرفته اند از ادای دیون آگاه باشند. از طرف دیگر، دادگاه مخیر در صدور حکم بطلان معامله می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که در حقوق فرانسه به ثبات معاملات بازرگانی اهمیت بیشتری داده شده و طرف معامله با حسن نیت، مورد حمایت قانون قرار گرفته است ولی در ماده ۴۲۳ قانون تجارت ایران، قانونگذار معاملات بین تاریخ توقف و صدور حکم را باطل و بلااثر دانسته است که از هر لحاظ قابل انتقاد می‌باشد، زیرا:

- فاصله بین تاریخ توقف و صدور حکم در قانون تعیین نشده و چه بسا ممکن است که این مدت طولانی، مثلاً پنج یا ده سال و یا بیشتر باشد و در چنین صورتی حکم بطلان معاملات و اجرای آن بسیار مشکل خواهد بود.

- تجار کشورهای مختلف اصولاً از توقف شرکت های بازرگانی اطلاعی ندارند و قراردادهای خود را براساس عرف بازرگانی و با اعتقاد به موجودیت واحد تجاری تنظیم می‌نمایند. بنابراین بطلان معاملات تاجر بین توقف و صدور حکم ورشکستگی بدون محدودیت زمانی در بازرگانی بین المللی غیر قابل قبول می‌باشد.

با توجه به مشکلات فوق، رویه قضایی فرانسه معاملات بین توقف و صدور حکم را ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ صدور حکم ورشکستگی مورد تأیید قرار داده است.^۵

- در صدر ماده ۴۲۳ قانون تجارت ایران، به طرفی که با حسن نیت با تاجر متوقف معامله نموده توجه نشده است و منصفانه نیست که افراد بیگناه به دادگاه احضار و مدتها در دادرسی سرگردان و متضرر شوند. به طور مثال، اگر کسی بدون داشتن سوءنیتی از شرکت سهامی عام الف یک دستگاه اتومبیل خریداری نماید و ثمن معامله را نیز پرداخت کند ولی شرکت بعد از چند سال ورشکسته اعلام گردد، چگونه قانون به بستانکاران حق می‌دهد که بطلان معامله مذکور را به استناد ماده ۴۲۳ از دادگاه تقاضا نمایند.

۳- مفهوم "توقف" مندرج در ماده ۴۲۳ و ۴۱۲ قانون تجارت ایران

کلمه "توقف" مندرج در مواد فوق از حقوق فرانسه اقتباس شده است و در مفهوم مضیق، عبارت است از عاجز شدن تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده دارد. و ممکن است تاجری با داشتن اموال در برهه ای از زمان به علت عدم دسترسی به نقدینگی قادر به پرداخت وجوه چند فقره سفته نباشد. در اینجا، این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان علیه چنین تاجری با استناد به سفته‌های و اخواست شده اعلام ورشکستگی نمود؟

بر اساس منطوق ماده مذکور و رأی اصراری شماره ۳۵۷۶ مورخ ۱۳۴۳/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور پاسخ به این سوال مثبت است. ولی تذکر این نکته ضروری است که تئوری توقف از ادای دیون با مفهوم اقتصادی جدید قابل انطباق نمی‌باشد.

برای بحث و بررسی رأی اصراری فوق و پیشنهادات اصلاحی به کتاب نویسنده این سطور مراجعه شود.^۶

"تئوری عدم توانایی پرداخت"^۷ در حقوق اغلب کشورهای جهان مانند

۶. دکتر محمود عرفانی، حقوق تجارت، ج ۲، ورشکستگی و تصفیه اموال، ورشکستگی در تجارت بین الملل به اضمام آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نمونه های عملی، انتشارات ماجد، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ص ۵۸ تا ۶۶ و ۳۸۸ تا ۳۹۵.

حقوق آلمان، سوییس، ایالات متحده امریکا و کانادا پذیرفته شده است و تاجر زمانی ورشکسته محسوب می‌شود که مجموع دارایی او کمتر از بدهی مربوطه باشد. در این راستا، مرحوم محقق حلی در شرایط اربعه صدور حکم افلاس و تحقق حجر چنین می‌فرماید: " ان یكون امواله قاصره عن ديونه"^۸.

با عنایت به مراتب فوق، اصلاح است که عدم توانایی پرداخت جایگزین کلمه توقف در ماده ۴۱۲ شود و به این ترتیب از صدور حکم ورشکستگی غیرمنطقی جلوگیری می‌گردد و نباید فقط منافع بستکاران مورد توجه قرار گیرد، زیرا جامعه نیاز به بقای واحدهای تولیدی، صنعتی، خدماتی و تجاری دارد و باید مورد حمایت قانون واقع شود.

ج) نتیجه و پیشنهاد

قید ماده ۴۱۷ قانون تجارت در رأی دیوان ضروری به نظر نمی‌رسد، زیرا ماده مزبور که حکم ورشکستگی را موقتا قابل اجرا دانسته است فقط برای جلوگیری از نقل و انتقال اموال تاجر تا قطعیت حکم می‌باشد و نمی‌توان اموال غیرمنقول تاجر را با استناد به ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک در اجرای ماده ۴۱۷ به بستکاران انتقال داد و این امر در صورتی امکان پذیر می‌باشد که حکم نهایی در آن باب صادر گردد. در رأی دیوان، مفهوم ضرر مندرج در بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت به بند ۲ ماده مذکور تسری داده شده است که از این بابت قابل تحسین می‌باشد.

در خاتمه، اصلاح ماده ۴۲۳ قانون تجارت برای ثبات معاملات و هماهنگی با حقوق کشورهای دیگر در بازرگانی بین‌المللی به شرح زیر ضروری به نظر می‌رسد:

ماده ۴۲۳: " معاملات ذیل از طرف تاجر ظرف مدت شش ماه قبل از صدور ورشکستگی می‌تواند از طرف دادگاه باطل اعلام گردد به شرط آنکه طرف معامله از توقف تاجر آگاه باشد:

۱- هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از

این که راجع به مال منقول یا غیرمنقول باشد.

۲- تادیه هر قرض اعم از حال یا موجد مگر آنکه نقداً یا بوسیله اسناد تجارتي به عمل آمده باشد.

۳- هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید و به دیگری انتقال دهد و به ضرر بستانکاران تمام شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی